

نگاهی به تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم^۱

مهدی شریعتی تبار^۲

ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم
که سرشار باشد از معنویت ...

از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شورای عالی انقلاب فرهنگی ۹۲/۹/۱۹

یکی از ویژگی‌های انسان، «مدنیتی بالطبع» بودن است؛ یعنی انسان بر حسب سرشتی که دارد و نیز براساس استعدادی که در آفرینش او لحاظ شده است هم میل و گرایش به مدنیت و بهره‌مندی از تمدن در او وجود دارد و هم زمینه و شرایط برخورداری از تمدن. در اینکه این میل و گرایش به زیست مدنی مقتضای طبیعت و سرشت اولی اوست یا خود محصول غریزه دیگری به نام غریزه استخدام است، بحث و اختلاف نظر وجود دارد. از آیه شریفه ۲۱۳ سوره بقره ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمْ

۱. نخستین هفته تمدن نوین اسلامی از ۳۰ آذر تا ۷ دی ماه در شش کمیسیون تخصصی با همکاری چهارده مرکز علمی، پژوهشی و حوزوی برگزار می‌شود. طبق هماهنگی قبلی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی با همکاری پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی شعبه خراسان رضوی مقالاتی در حوزه تمدن‌شناسی و مطالعات تمدنی فراهم آورده و قرار است در همایشی به همین مناسبت ارائه شود. با توجه به سازگاری مقالات با گرایش مجله مشکوة و نیز رأی مساعد هیأت تحریریه، این مجموعه در شماره پاییز فصلنامه منتشر می‌شود.

۲. مدیرعامل بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

الْكِتَابِ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»؛ «مردم امت واحده بودند، سپس خداوند پیامبران را فرستاد با بشارت و انذار و با آنان کتاب را با ویژگی حق نازل کرد تا در بین مردم داوری کنند و اختلافات را حلّ و فصل نمایند...»، این حقیقت قابل استنباط است که انسان‌ها به حسب سرشت طبیعی و اولیه خود از وحدت فطری و انسجام و هماهنگی برخوردار بوده، در مسیر تمدن صحیح انسانی در حرکت‌اند، آن‌گاه پیامبران به رسالت مبعوث شدند تا با کتاب حق و دین صحیح، این وحدت و انسجام فطری را پاس داشته، زمینه‌های رشد و بالندگی آن را فراهم کنند و از عوامل مخرب و آسیب‌هایی که این تمدن انسانی را مخدوش می‌کنند جلوگیری نمایند و از سرراه تمدن بشری بردارند. چه زیبا قرآن کریم دعوت مردم را توسط پیامبران با واژه «تعالوا» بازگو می‌کند، آنجا که می‌فرماید: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَنُلِ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾ (انعام / ۱۵۱)؛ [ای پیامبر] بگو: [ای مردم] بیایید تا آنچه را پروردگار و مدبر و صاحب اختیاران بر شما حرام کرده برایتان تلاوت کنم و آن اینکه برای او شریک قرار ندهید و به والدین خود نیکی کنید و... .

در جای دیگری می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ (آل عمران / ۶۴)؛ بگو ای اهل کتاب بیایید همه مجتمع شویم برگرد کلمه و محوری که ما و شما به طور مساوی آن را قبول داریم و آن اینکه جز خدا را نپرستیده و برایش شریک قرار ندهیم و برخی از ما بعض دیگر را مالک و صاحب اختیار خود قرار ندهد.

در این دو آیه و نظایر آن در قرآن کریم، تعبیر زیبای «تعالوا» بیان‌گر این حقیقت است که اولاً پیامبران در اوج و قله تکامل و تمدن انسانی ایستاده؛ انسان‌ها را که گرایش و استعداد نیل به آن جایگاه را دارند به حرکت و اوج‌گیری دعوت می‌نمایند. از سوی دیگر، فراز این حیات و زندگی تمدنی، توحید و یکتاپرستی و نفی شرك و بت‌پرستی و استثمار و به بردگی کشیدن انسان‌ها توسط یکدیگر قلمداد شده است.

عوامل و منابع تمدن انسانی

از آیات قرآن کریم چنین برمی آید که تمدن انسانی و شکوفایی آن مبتنی بر عوامل و منابعی است که در یک تقسیم کلی به دو دسته تقسیم می شود:

الف: عوامل درونی. ویژگی های درونی انسان مانند عقل و فطرت، از زیرساخت های اساسی این تمدن به حساب می آیند. قرآن کریم و روایات اولیای معصوم اسلامی بر اهمیت و جایگاه عقل در تحقق تمدن انسانی تأکید دارند، نعمت عقل را از نعمت های اساسی و مهم الهی تلقی فرموده و به عنوان اولین مخلوق الهی و سرمایه اصلی تمدن انسانی از آن یاد کرده اند:

عن ابی جعفر علیه السلام قال: «لَمَّا خَلَقَ اللهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ: اِقْبَلْ فَاقْبَلْ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: ادْبِرْ فَادْبِرْ، ثُمَّ قَالَ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقاً هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَلَا اكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحَبَّ. أَمَا آتَى إِيَّاكَ أَمْرٌ وَإِيَّاكَ أَنْهَى وَإِيَّاكَ إِعَاقَبُ وَإِيَّاكَ أَثِيبُ»؛ امام باقر علیه السلام می فرماید: چون خداوند عقل را آفرید او را به نطق و سخن واداشت و به او گفت: بیا، پس آمد و فرمود: برو، پس رفت. سپس فرمود: به عزت و جلالم سوگند که آفریده ای محبوب تر از تو نیافریدم و نیز تورا در درجه کمال مطلوب قرار ندادم مگر در آنان که دوستشان دارم. هان به واسطه وجود تو فرمان می دهم و به سبب تو نهی می کنم و با وجود تو کیفر نموده و یا ثواب می دهم.

در حدیثی مفصل امام کاظم علیه السلام شاخصه عقل و خردورزی را در تمدن انسانی و شکوفایی استعداد های جامعه انسانی، برجسته دانسته و عقل و محصول ارزشمند آن یعنی علم و دانش را زمینه ساز تحقق تمدن انسانی معرفی نموده است و اهل عقل و علم را به دستیابی به این تمدن بشارت داده است، آنجا که می فرماید: «یا هشام! انّ الله تبارک و تعالی بشاره اهل العقل والفهم فی کتابه، فقال: ﴿فَيُبَشِّرُ عِبَادَ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمْ اللهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْوَالُونَ الْأَلْبَابِ﴾^۲؛^۳ ای هشام! خداوند

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۰.

۲- زمر / ۱۷ و ۱۸.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۳.

اهل عقل و اندیشه را در قرآنش بشارت داده و فرموده است: بشارت بده بندگانم را؛ همان کسانی که سخن‌ها و حرف‌ها را می‌شنوند و با عقل و فهم ارزیابی نموده، از زیباترین آن پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرد و آنان صاحبان خرد و درک‌اند. در نتیجه آنانند که شایسته بهره‌مندی از تمدن انسانی، عقلانی و هدایت‌اند.

از دیگر سرمایه‌های انسانی برای نیل به تمدن انسانی، فطرت است. فطرت همان آفرینش و خلقت ویژه انسانی است که او را از دیگر حیوانات و موجودات ممتاز می‌کند. براساس این فطرت الهی است که يك سری ادراکات و بینش‌ها در همه انسان‌ها هست، نیاز به تحصیل و اکتساب ندارد و در همه زمان‌ها هم بوده است. این ادراکات و بینش‌های فطری، سرمایه معرفتی انسان است برای شکوفایی علمی و نیل به تمدن انسانی که از ویژگی‌های اساسی آن، علم و دانش است.

در فطرت انسانی يك سلسله‌گرایی‌ها نیز وجود دارد که رنگ و نژاد و ملیت و قومیت و جغرافیا و غیره موجب بود و یا نبود آنها در انسان‌ها نیست، بلکه همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها بدون نیاز به معلم و مرتبی، واجد این تمایلات هستند؛ مانند تمایل به آگاهی و معرفت و نیز گرایش به زیبایی و هنر و میل به خوبی‌ها و فضایل اخلاق و از همه مهم‌تر گرایش به کمال و جمال مطلق؛ یعنی خداوند متعال.

ب: عوامل و منابع بیرونی. پیامبران الهی و رهبران راستین و دین و برنامه الهی آنها که از طرف خداوند فرستاده شده از عوامل بیرونی تحقق تمدن انسانی است. بی‌گمان، پیامبران آمده‌اند تا عقل را شکوفا نموده، خرد را از اسارت و بردگی آزاد سازند و با تعلیمات و آموزه‌های منطبق با عقل و فطرت آدمی او را در مسیر دستیابی به تمدن و همزیستی یاری رسانند. قرآن کریم دین و دعوت دینی را مطابق با فطرت آدمی می‌داند و انسان را بر مراقبت از این فطرت سفارش می‌کند: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ...﴾ (روم / ۳۰)؛ توجه خود را حق‌گرایانه به سوی دین معطوف دار که این سرشت الهی است که مردم را با آن سرشته است و تغییری در آفرینش الهی نیست. آن دین قیّم یا برجا و ماندگار است.

امام علی علیه السلام نیز رسالت پیامبران را یادآوری همین فطرت و شکوفایی عقل بشر می‌داند:

«فبعث فيهم رسله وواتراليهم انبيائه ليستأدوهم ميشاق فطرته ويذكروهم منسىٰ نعمته ويحتجوا عليهم بالتبليغ ويثيروا لهم دفائن العقول»؛^۱ [خداوند] پیامبران را در میان مردم غفلت زده (از تمدن انسانی خود) برانگیخت و پی در پی آنها را اعزام کرد تا پایبندی به پیمان فطرت را از مردم خواستار شده، گنجینه‌های خرد آدمیان را شکوفا کنند و نعمت‌های فراموش شده (از جمله همین صلاحیت و استعداد انسان برای زندگی جمعی و حیات طیبه را) به او یادآوری نمایند. و با تبلیغ راه رسیدن به تمدن در کنار عقل و فطرت، حجت را برایشان تمام کنند.

زمینه‌های تحقق تمدن اسلامی و نتایج آن

در قرآن کریم آیات فراوانی داریم که به تمدن صحیح انسانی که همان تمدن دینی و اسلامی است اشاره دارد، هم دلایل و راه‌های تحقق آن را متذکر می‌شود و هم نتایج و یا شاخصه‌های آن را؛ از جمله آیه ۵۵ سوره نور می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾؛ خداوند وعده داده به مؤمنانی که عمل صالح انجام داده‌اند که آنان را جانشین خود در زمین قرار داده و دین آنها را در زمین استقرار بخشد و ترس و ناامنی آنان را به امنیت مبدل سازد و در پرتو چنین مکانی به عبودیت و بندگی خداوند یکتا مشغول گردند.

در این آیه شریفه که مصداق کامل آن، عصر گسترش حکومت و تمدن اسلامی در سراسر گیتی است و با اندیشه مهدویت در فرهنگ تمدن اسلام انطباق دارد، دو شرط اساسی برای دستیابی به تمدن اسلامی بیان شده است:

۱. ایمان: یعنی اعتقاد عارفانه و قاطع به زیرساخت‌های تمدن انسانی؛ مانند ایمان به توحید و نیز به جهان واپسین و رستاخیز و رهبران معصوم الهی. بدون این ایمان عالمانه، هیچ تحول مثبتی در زندگی تمدنی بشر شکل نخواهد گرفت و بی تردید تنها راه رسیدن به تمدن انسانی، توجه و اعتقاد و ایمان و التزام جامعه بشری به ندای فطرتش و آن توحید است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۲. **عمل صالح:** عمل صالح در معنای عام خودش به هر حرکت شایسته و عالمانه‌ای اطلاق می‌شود که جامعه بشری را به سوی تمدن انسانی سوق دهد و قابلیت و صلاحیت انسان را برای بهره‌مندی از آن به منصفه ظهور برساند؛ تعاون و همکاری در بَر و تقوا، مبارزه با عوامل منفی و بازدارنده، کمک علمی و عملی به جامعه در قالب ارشاد و هدایت و تعلیم و تربیت و صبر و استقامت و امر به معروف و نهی از منکر و مسائل متنوع و گسترده دیگر از این دست، از مصادیق عمل صالح به حساب آمده، انسان را لایق برخوردار از تمدن انسانی می‌سازد.

و سرانجام آیه شریفه یادشده چهار شاخصه و مؤلفه مهم برای تمدن انسانی بیان می‌دارد که در دیگر آیات و روایات به عنوان اهداف مهم بعثت پیامبران و تمدن اسلامی انسانی مورد نظر پیامبران مطرح شده است:

۱. **مدیریت و حکومت صالحان و انسان‌های شایسته.** بدون تردید در تمدن انسانی، قدرت و مدیریت جامعه در اختیار انسان‌های صالح و مصلح است و این خود در تحقق و شکوفایی تمدن انسانی تأثیر بسزایی دارد.

اصل شایسته سالاری در مسئولیت‌پذیری و سپردن مدیریت‌ها به اشخاص شایسته از اصول مسلم تمدن قرآنی و اسلامی محسوب می‌شود:

﴿...أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (یونس / ۳۵)؛ آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد، یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آنکه هدایت شود. شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهَ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»؛ مردمان در رفتارشان، به حاکمان خود، بیشتر از پدرانشان شباهت دارند.

۲. **استقرار و تمکن دین و ارزش‌های دینی در جامعه.** دومین شاخصه تمدن انسانی اسلامی، استقرار و حاکمیت دین و زمینه‌های لازم برای عملیاتی شدن آموزه‌ها و ارزش‌های دینی در جامعه است. در چنین فضای فرهنگی و اجتماعی، هیچ مانعی از

۱. ابن شعبه، حسن بن علی، **تحف العقول**، ص ۲۰۸.

درون یا بیرون، عمل به تعالیم دینی را مخدوش نمی‌کند. این مطلب ضمن اینکه از دستاوردهای تمدن انسانی به شمار می‌رود، همواره در رشد و شکوفایی و بالندگی هر چه بیشتر آن نیز اثرگذار است.

۳. **برقراری امنیت.** امنیت نعمت بسیار بزرگی است که فقدان آن، به جد همه ساختارهای تمدنی را تهدید می‌کند. جامعه متمدن، خالی از تهدید و ترس و ناامنی و استرس است. این نیز از شاخصه‌ها و پیامدهای تمدن انسانی است و به نوبه خود در بالندگی آن تأثیری ژرف دارد. در حدیثی امام صادق علیه السلام تهدید و ایجاد ناامنی و به خطر انداختن امنیت روانی جامعه را در صورتی که تهدید صرف باشد و اجرایی نشود، عامل جهنمی شدن انسان تهدید کننده دانسته و در صورت اجرا شدن، او را در طراز فرعون مستکبر و برهم زننده تمدن انسانی معرفی کرده‌اند؛ چه اینکه فرعون نخست جامعه خود را از نظر فرهنگی و تمدنی بی‌هویت ساخت، آن‌گاه آنها را به اطاعت و بردگی خود وادار کرد.

۴. **بندگی خدا و حاکمیت اصل توحید.** تمدن واقعی برای انسان عبارت است از فضا و بستر مناسبی که در آن فطرت بشر شکوفا شده، استعدادهاى نهفته در درون او به فعلیت برسد و در نتیجه جامعه انسانی به غایت و هدف خلقت خود دست یابد. بی‌تردید بهره‌مندی از تمتعات زندگی در تمدن اسلامی انسانی اهمیت دارد، اما غرق شدن در تمتعات مادی و منحصر دانستن مزایای حیات در مادیات و غفلت از هدف آفرینش انسان که از شاخصه‌های تمدن ماتریالیستی و غربی امروز است، منافى با تمدن اسلامی انسانی است.

کاروان انسانی آن‌گاه در مسیر تمدن واقعی خود گام برمی‌دارد و به آن دست خواهد یافت که براساس ندای فطرت در مسیر شناخت مبدأ هستی و حضرت حق جل و علا و نیز عبودیت و بندگی او قرار گرفته، از کرنش و تسلیم شدن در برابر مظاهر شرک، اعم از بت‌های سنگی و چوبی دوره جاهلیت اولی و بت‌های انسانی و طاغوت‌هایی که امروزه جایگزین آنها شده‌اند، بپرهیزد؛ چنان که در قرآن می‌خوانیم: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾ (نحل / ۳۶)؛ و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید]: «خدا را پرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید.»